

## تحول بخش خدمات در مسیر توسعه‌یافتگی: مقایسه خدمات توزیعی و خدمات تولیدی

حسین علی‌اصغرپور موزیرجی<sup>۱</sup>

دکتر فرشاد مؤمنی<sup>۲</sup>

دکتر علی‌اصغر بانوئی<sup>۳</sup>

### چکیده

در سه دهه اخیر نه فقط قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات در عرصه اقتصاد جهانی متحول شده، بلکه همراه با آن تعبیری همچون «اقتصاد خدمات»، «خدمات کسب و کار»، «اقتصاد جدید»، «خدمات برتر»، «اقتصاد دانایی‌محور» و غیره توسط طیف وسیعی از تحلیل‌گران مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بررسی عمیق‌تر این تعبیر و اصطلاحات و واکاوی سازگاری آن‌ها با ساختار کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بدون ارائه طبقه‌بندی جدید از قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات به آسانی امکان‌پذیر نیست. در این مقاله برای اولین بار با استفاده از جداول داده-ستانده همگن و تجمیع شده ۴۰ کشور جهان، طبقه‌بندی آن‌ها بر حسب چهار سطح درآمد سرانه و تفکیک فعالیت‌های بخش خدمات به توزیعی، تولیدی، شخصی و اجتماعی، در چارچوب دو رویکرد سنتی و نوین محاسبه پیوند بین بخش‌ها درصدد پاسخ به سوالات زیر می‌باشیم: اولاً "جایگاه بخش‌های چهارگانه خدمات به‌ویژه خدمات تولیدی و توزیعی بر اساس شاخص پیوندهای بین بخشی، با افزایش سطح توسعه‌یافتگی چه تغییری می‌کند؟" و در ضمن "کدام یک از دو رویکرد سنتی و نوین محاسبه پیوندهای بین بخشی بهتر می‌تواند ارتباط بین خدمات توزیعی و خدمات تولیدی را با سطوح توسعه‌یافتگی تبیین نماید؟"

نتایج به‌طور کلی نشان می‌دهند که بکارگیری رویکرد سنتی، مستقل از سطوح توسعه‌یافتگی کشورها، در سنجش اهمیت بخش‌هایی قابلیت دارد که کالاهای ملموس تولید می‌کنند (کشاورزی، معدن و صنعت) و در برجسته کردن اهمیت زیربخش‌های خدمات ناتوان است. اما در رویکرد نوین مشاهده می‌کنیم که یک رابطه معکوس بین خدمات توزیعی و سطوح توسعه‌یافتگی وجود دارد، حال آن‌که خدمات تولیدی در سطوح پایین توسعه، ناچیز و اهمیت آن در سطوح بالای توسعه، برجسته می‌گردد. این یافته‌ها موید این

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد گرایش اقتصاد شهری و منطقه‌ای دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

Hossein.aliasgharpour@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

۳. عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

واقعیت هستند که تعابیر مختلف و طبقه‌بندی جدید از قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات، بیشتر با ساختار کشورهای پیشرفته سنخیت دارند تا ساختار کشورهای در حال توسعه.

**واژگان کلیدی:** خدمات توزیعی، خدمات تولیدی، جدول داده-ستانده، رویکرد سنتی، رویکرد نوین.

**Keywords:** Distributive Services, Producing Services, Input-Output Tables, Traditional Approach, Modern Approach.

**JEL Classification:** B10, C67, O10, O57.

## ۱- مقدمه

تعریف و نقش خدمات برای سال‌های زیادی یک موضوع بحث برانگیز در حوزه نظریه‌های اقتصادی بوده است. بعضی از اقتصاددانان معتقد بودند که خدمات شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های غیرمولد می‌باشد. همچنین بیان می‌کردند که تولیدات بخش خدمات، منابع را از بسیاری از فعالیت‌های با ارزش به سمت فعالیت‌های کم ارزش سوق می‌دهد.<sup>۱</sup> اولین بحث‌ها پیرامون تغییرات ساختار تولیدی توسط فیشر<sup>۲</sup> (۱۹۳۳)، کلارک<sup>۳</sup> (۱۹۴۰)، استیگلر<sup>۴</sup> (۱۹۵۶)، کوزنتس<sup>۵</sup> (۱۹۵۷)، بامول<sup>۶</sup> (۱۹۶۷)، فوجز<sup>۷</sup> (۱۹۶۵)، کارویس، هستون و سامرز<sup>۸</sup> (۱۹۸۴) و مدیسون<sup>۹</sup> (۱۹۸۷) صورت گرفته است. این افراد اولین نشانه‌های رشد سهم نیروی کار بخش خدمات را مشاهده می‌نمایند و علت آن را ترکیبی از نرخ‌های کارآیی با تورش و ترجیحات ناهمسان نیروی کار معرفی می‌کنند (فرانسیسکو و کابوسکی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۹). مطالعات اخیر نشان می‌دهند که اقتصادهای پیشرفته در حال میل به سمت تولید خدمات هستند و رشد بخش خدمات در تمامی کشورهای جهان، از توسعه یافته تا در حال توسعه، ادامه دارد به طوری که یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی‌ای که در دهه‌های اخیر در ادبیات توسعه به طور جدی مورد توجه قرار گرفته و حتی در نظریات اقتصادپیشرفت و توسعه از آن به عنوان فاز (مرحله) سوم توسعه یافتگی بعد از انقلاب صنعتی یاد می‌شود، بخش خدمات می‌باشد (فوجز (۱۹۶۵) که امروزه در قالب اصطلاحاتی نظیر اقتصاد خدمات محور<sup>۱۱</sup>، خدمات اطلاعات<sup>۱۲</sup>، خدمات کسب و کار<sup>۱۳</sup>، صنعتی شدن خدمات<sup>۱۴</sup>، خدمات برتر<sup>۱۵</sup> و اخیراً نیز در اصطلاحات کلی تر «اقتصاد جدید در مقابل اقتصاد قدیم»<sup>۱</sup> مورد توجه طیف وسیعی از پژوهش‌گران قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

۱. اصطلاحاً به این قضیه «واگرایی منابع» گفته می‌شود.

۲. Fisher (1933)

۳. Clark (1940)

۴. Stigler (1956)

۵. Kuznets (1957)

۶. Baumol (1967)

۷. Fuchs (1965)

۸. Kravis & Heston & Summers (1984)

۹. Maddison (1987)

۱۰. Francisco & Kaboski (2009)

۱۱. Service Oriented Economy

۱۲. Information Services

۱۳. Business Services

۱۴. Service Industrialization

۱۵. Superior Services

پژوهش‌گرانی چون مایلز و بُدن<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) مشاهده می‌کنند که رشد بخش خدمات و زیربخش‌های آن موجب کاهش رشد بخش صنعت می‌شود و از آن به «صنعت‌زدایی»<sup>۴</sup> یا «صنعتی شدن مجدد»<sup>۵</sup> یاد می‌کنند که اساساً این دیدگاه با تفکر غیرمولد بودن فعالیت‌های خدماتی که بیشتر با ساختار اقتصادهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته سازگاری دارد، مطابقت می‌کند. در این دسته از کشورها به دلیل وجود سودآوری در این بخش، فعالیت‌های مربوط به سفته‌بازی و سوداگری گسترده بوده و منجر به ایجاد تفکری منفی در رابطه با عملکرد بخش خدمات در آن‌ها شده است. اما از طرف دیگر پژوهش‌گرانی چون فوجولا<sup>۶</sup> (۲۰۰۰)، آمبروسی و پینیئا<sup>۷</sup> (۲۰۰۵)، دنیلز<sup>۸</sup>، و وود<sup>۹</sup> در تحقیقات ارزنده خود نه فقط بر مولد بودن خدمات تأکید کرده‌اند بلکه همچنین واژه‌هایی را در ارتباط با نقش و اهمیت بخش خدمات در عصر دانایی بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از: جامعه‌ی پسا صنعتی<sup>۱۰</sup>، اقتصاد اطلاعات<sup>۱۱</sup> و یا اقتصاد دانایی محور<sup>۱۲</sup>، اقتصاد ابداعات<sup>۱۳</sup>، اقتصاد شبکه<sup>۱۴</sup>، اقتصاد بی‌وزن<sup>۱۵</sup>، اقتصاد جدید<sup>۱۶</sup>، اقتصاد خدمات محور، بخش خدمات انعطاف‌پذیر<sup>۱۷</sup>، صنایع دانایی محور<sup>۱۸</sup>، خدمات اطلاعات<sup>۱۹</sup>، فناوری اطلاعات<sup>۲۰</sup>، فناوری اطلاعات و ارتباطات<sup>۲۱</sup> و صنعتی شدن خدمات<sup>۲۲</sup>. بررسی عمیق‌تر ترکیبی از اصطلاحات مذکور بدون طبقه‌بندی جدید از فعالیت‌های بخش خدمات به آسانی امکان‌پذیر نیست.

1. New versus Old Economy

2. Beyer (2002); Wood (2002); Phojola (2000); Anbrosi et al. (2005)

3. Miles & Boden (2000)

4. Deindustrialization

5. Reindustrialization

6. Phojola (2000)

7. Ambrosi – Pinieta (2005)

8. Daniels (2004)

9. Wood (2002)

10. Post-industrial Society

11. Information Economics

12. Knowledge-Oriented Economics

13. Innovation Economics

14. Network Economics

15. Weightless Economics

16. Modern Economics

17. Flexible Services

18. Knowledge Oriented Industries

19. Information Services

20. Information Technology

21. Information & Communication Technology

22. Industrialization Services

در این مقاله برای اولین بار با استفاده از جداول داده-ستاندهی همگن شده ۴۰ کشور جهان، طبقه‌بندی آن‌ها برحسب معیار درآمد سرانه بانک جهانی به چهار گروه درآمدی: پایین، متوسط رو به پایین، متوسط رو به بالا و بالا و طبقه‌بندی جدید فعالیت‌های خدمات به: خدمات توزیعی، خدمات تولیدی، خدمات شخصی و خدمات اجتماعی و بکارگیری دو رویکرد سنتی و نوین محاسبه پیوندهای بین بخشی، به دنبال پاسخی برای این سوالات می‌باشیم: "۱) جایگاه بخش‌های چهارگانه خدمات به‌ویژه خدمات تولیدی و توزیعی بر اساس شاخص پیوندهای بین بخشی، با افزایش سطح توسعه‌یافتگی چه تغییری می‌کند؟" (۲) کدام یک از دو رویکرد سنتی و نوین بهتر می‌تواند رابطه بین خدمات توزیعی و خدمات تولیدی را با سطوح توسعه‌یافتگی تبیین نماید؟"

بررسی جنبه‌های مختلف این سوال محورهای مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. برای این منظور مطالب مقاله در پنج بخش مشخص سازماندهی می‌شوند. در بخش اول چارچوب مفهومی، پایه‌های نظری و انواع طبقه‌بندی‌های جدید از بخش خدمات مورد توجه قرار می‌گیرند. روش پژوهش در بخش دوم و پایه‌های آماری در بخش سوم آورده می‌شوند. نتایج حاصله و تحلیل‌های مربوط به آن‌ها در بخش چهارم و نتیجه‌گیری در بخش پنجم ارائه می‌گردند.

## ۲- چارچوب مفهومی، پایه‌های نظری و طبقه‌بندی جدید از بخش خدمات

### ۲-۱- چارچوب مفهومی

ادبیات موجود نشان می‌دهد که همانند سایر بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، معدن، صنعت و غیره) یک مفهوم متعارف، استاندارد و قابل قبولی از بخش خدمات وجود ندارد (اونو، ۱۹۸۹- پارک و چان، ۱۹۸۹- سلطان، ۲۰۰۸).<sup>۱</sup> برخی از اقتصاددانان بیان کرده‌اند که به‌طور کلی مجموعه فعالیت‌های اقتصادی به‌جز "کشاورزی، معدن، صنعت، ساختمان، آب و برق و گاز" جزء فعالیت‌های خدمات محسوب می‌شوند یعنی خدمات، تولیدکننده‌ی کالاهای غیرملموس می‌باشد. اقتصاددانان کلاسیک معتقد بودند که خدمات منابع را از بسیاری از فعالیت‌های با ارزش به فعالیت‌های کم ارزش منتقل می‌کند یعنی فعالیت‌های خدمات را غیرمولد می‌دانستند. لیکن از دهه ۱۹۳۰ میلادی به بعد اهمیت خدمات به اندازه‌ای شد که به عنوان یک بخش مستقل در تحلیل‌های ساختار اقتصادی کشورها وارد گردید و حتی از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد از

<sup>۱</sup>.Uno (1989); Park and Chan (1989); Sultan (2008)

فعالیت‌های این بخش به عنوان فعالیت‌های مولد یاد می‌شود. بخشی به عنوان بخش مولد در نظر گرفته می‌شود که برای انجام تولیدات خود نیاز جدی به تولیدات سایر بخش‌ها داشته و همچنین تولیداتش نیز به عنوان نهاده در اختیار سایر بخش‌ها قرار می‌گیرد و تحرک بخشیدن به این بخش منجر به تحرک سایر بخش‌ها می‌گردد. بنابراین آنچه که امروزه حائز اهمیت است، اثبات جایگاه مستقل و تأثیرگذار بخش خدمات در ساختار اقتصادی کشورها نیست بلکه بررسی تفصیلی ارتباط درون بخشی زیربخش‌های خدمات با سایر بخش‌های اقتصاد، به ویژه زیربخش خدمات تولیدی و توزیعی، با سایر بخش‌ها در چارچوب تعاریف و مفاهیم و طبقه‌بندی جدید از فعالیت‌های بخش خدمات است که از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

این گستردگی در تعاریف و مفاهیم خدمات، بررسی سیر تکاملی پایه‌های نظری در رابطه با این بخش در میان مکاتب اقتصادی گوناگون و اقتصاددانان و نظریه‌پردازان را الزامی می‌کند. در این راستا جهت تبیین مفاهیم کلی خدمات، نظریات گوناگون در رابطه با خدمات تحت سه تفکر کلی (تفکر سنتی، تفکر میانی و تفکر نوین)، همراه با جایگاه بخش خدمات در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به اجمال مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

## ۲-۲- پایه‌های نظری

### ۲-۲-۱- تفکر سنتی (از ابتدا تا سال ۱۹۳۰ میلادی)

بررسی سیر تاریخی تحولات اندیشه‌ای و ساختاری اقتصاد جهان از تمدن‌های اولیه تا سال ۱۹۳۰ میلادی نشان می‌دهد که در این دوران توجه چندانی به بخش خدمات نمی‌شد به طوری که در ابتدا تنها بخش مولد در اقتصاد، بخش کشاورزی و سپس بخش صنعت بوده و بخش خدمات جایگاهی در ساختار و تحلیل‌های اقتصادی کشورها نداشت. در این مورد دلونی و گادری سه قرن چالش بخش خدمات در تفکر اقتصادی را چنین بیان می‌کنند: "از زمان انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، نظریه اقتصادی بر تولید کالاهای ملموس (کشاورزی، معدن و صنعت) استوار بوده است. خدمات یا مورد غفلت قرار گرفته و یا به عنوان یک مجموعه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی غیرمولد به شمار می‌رفت که در جهت ایجاد شکاف منابع از فعالیت‌های مولد بوده است" (دلونی و گادری<sup>۱</sup>،

<sup>۱</sup>. Delaunay and Gadry (1992)

۱۹۹۲). آدام اسمیت<sup>۱</sup> (۱۷۷۶) هر چند در کتاب خود (ثروت ملل) به اهمیت تقسیم کار (تخصصی شدن فعالیت‌های اقتصادی) و تجارت آزاد و مولد بودن آن و وسعت بازار اشاره می‌کند، ولی با این حال مشاهده می‌گردد که وی واژه مولد و غیرمولد را در خصوص بخش مذکور مطرح می‌نماید (آزاد، ۱۳۸۵). این تفکر تا ظهور نظریه کینز در خصوص پر کردن ظرفیت‌های خالی تولید تداوم یافت. کینز معتقد بود که مشکل اصلی اقتصاد عدم وجود تقاضای کافی می‌باشد و باید با ایجاد کردن تقاضا، ظرفیت‌های خالی تولید را پر کرد. اما این که کدام یک از بخش‌های اقتصادی نقش بیشتری را در پر کردن ظرفیت‌های خالی تولید ایفا می‌کند مورد توجه وی قرار نگرفت. وجود این خلأ توانست بستر تحلیل‌های مربوط به نقش و اهمیت بخش‌های اقتصادی را برای تحلیل‌گران بعدی نظیر فیشر، کلارک، کوزنتس و غیره فراهم نماید.

## ۲-۲-۲- تفکر میانی (از ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ میلادی)

این دوره با توسعه آمارهای درآمد ملی همراه بود. در این دوره بود که پیشگامان حساب‌های ملی، کل فعالیت‌های اقتصادی را به بخش اول<sup>۲</sup> (شامل کشاورزی و معادن)، بخش دوم یا صنعت<sup>۳</sup> و بخش سوم (شامل کلیه فعالیت‌های باقی‌مانده) تقسیم کردند. فیشر (۱۹۳۳) و کلارک (۱۹۴۰) اقتصاد را در چارچوب سه بخشی تحلیل کردند که برآیند کار آن‌ها ارائه‌ی «الگوی مرحله‌ای توسعه» بوده است (کاتوزیان<sup>۴</sup>، ۱۹۷۰). چارچوب مذکور بستر تحلیل‌های رشد نوین اقتصادی را در دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط کوزنتس فراهم نمود (کوزنتس، ۱۳۷۲).

تبیین عمیق‌تر نقش و اهمیت بخش خدمات و به‌طور کلی ورود اقتصاد به مرحله اقتصاد خدمات محور، مرهون پژوهش‌های اولیه فوجز است. ویکتور آر فوجز (۱۹۶۵) در مقاله‌ای تحت عنوان "اهمیت فزاینده صنایع خدمات" خدمات را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. وی از شاخص سهم بخش‌های مختلف از اشتغال و GDP مشاهده می‌کند که اقتصاد آمریکا با در اختیار داشتن بیش از ۵۰٪ فعالیت‌های اقتصادی در بخش خدمات اولین کشوری است که وارد فاز (مرحله) سوم توسعه شده و آن را «اقتصاد خدمات» می‌نامد (فوجز، ۱۹۶۵).

1. Adam Smith (1776)

2. Primary Activities

3. Secondary or Industrial Activities

4. Katouzian (1970)

پژوهش‌های فوج از یک طرف و بروز شوک تکنولوژی در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی و شوک نفت در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی از طرف دیگر، زمینه را برای ورود به تفکر نوین در رابطه با خدمات فراهم نمود. رشد فناوری در این دوران باعث شد تا به کارگیری علوم در تولید، ابداعات و اختراعات از صورت تصادفی خارج شده و به شکل برنامه‌ریزی شده در فرآیندهای تولیدی به کار گرفته شوند. کشورهای توسعه‌یافته‌ی سرمایه‌داری با مازاد تولید روز افزون مواجه شدند. این امر ضرورت و نیاز به بازاریابی و کسب تخصص در این زمینه را بیش از پیش آشکار ساخت. با تکمیل و تجهیز وسایل حمل و نقل و ایجاد و گسترش وسایل ارتباطی، فعالیت‌های اقتصادی نوینی شکل گرفت که در گذشته سهم اندکی در اشتغال داشتند. پس از گسترش نظام صنعتی و اشتغال در این بخش، خدمات به عنوان بخش مستقل از دو بخش کشاورزی و صنعت در جوامع پیشرفته و سپس در جوامع در حال توسعه شکل گرفت (رزاقی، ۱۳۷۵). در این دوران روابط هم‌پیوندی میان بخش خدمات و سایر بخش‌های اقتصادی مطرح شد و در نتیجه زمینه برای ورود به تفکر نوین در رابطه با خدمات فراهم گردید.

### ۲-۲-۳- تفکر نوین (۱۹۷۰ میلادی به بعد)

تحولات گسترده بخش خدمات از یک طرف و ورود انواع واژه‌ها و اصطلاحات در ارتباط با بخش خدمات از طرف دیگر، ضرورت و اهمیت ارائه مفهوم و طبقه‌بندی جدید از بخش خدمات را فراهم نمود. در نتیجه ارائه تعاریف و مفاهیم دقیق‌تر و همچنین طبقه‌بندی جدید بخش خدمات مورد توجه طیف وسیعی از تحلیل‌گران قرار گرفت که در زیر به چند نمونه از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

کاتوزیان در سال ۱۹۷۰ میلادی نگاهی به بخش سوم می‌اندازد و از دیدگاه تاریخی خدمات را در سه گروه: الف) خدمات نوین<sup>۱</sup> که شامل: آموزش، فعالیت‌های مدرن دارویی و درمانی (بهداشت و سلامتی)، فعالیت‌های سرگرمی و فرهنگی و پذیرایی مانند سینما، رستوران، هتلداری و مراکز تفریحی و سرگرمی و دیگر خدمات حرفه‌ای. ب) خدمات مکمل<sup>۲</sup> که شامل: امور بانکی و مالی، حمل‌ونقل، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی. ج) خدمات سنتی<sup>۳</sup> که شامل: فعالیت‌های خدمات

1. The New Services

2. Complementary Services

3. The Old Services



شخصی می‌باشند، تقسیم می‌کند. از دیدگاه تاریخی خدمات سنتی، خاص فعالیت‌های خدماتی قبل از قرن ۱۸ میلادی و زمانی که داشتن خدمتکار در خانوارهای امریکا رواج داشت، بوده است. این نوع از خدمات با روند توسعه‌یافتگی کشورها از میان رفته است و کم‌کم تقاضا برای این خدمات به سمت صفر میل کرد. خدمات مکمل که به شدت با روند صنعتی شدن وابستگی دارد و بر اساس نظریه مراحل رشد روستو به دوره خیز، که با افزایش و ترقی تولیدات صنعتی همراه است، مربوط می‌شود. خدمات نوین نیز مربوط به دوره مصرف انبوه تولیدات صنعتی بر اساس نظریه مراحل رشد روستو می‌باشد. تقاضا برای خدمات نوین به رشد درآمد سرانه بسیار حساس است و همچنین تابع صعودی از زمان فراغت است. کاتوزیان بر اساس انتظارات آتی پیش‌بینی می‌کند که تقاضا برای این خدمات در آینده افزایش می‌یابد (کاتوزین، ۱۹۷۰).

بل<sup>۱</sup> مشاهده می‌کند که در جوامع پیشاصنعتی<sup>۲</sup>، کارگر کشاورزی در همه جا کما بیش حاضر است و در جوامع صنعتی کار در کارخانه اصل پذیرفته می‌شده است، حال آن‌که در جوامع پساصنعتی کار خدماتی تسلط دارد. او گسترش بخش خدماتی اقتصاد، که با افول بخش‌های صنعتی و کشاورزی همراه بود را گواهی بر پیدایش دوران «پسا صنعتی» نامید (بل، ۱۳۸۲). سینگلمن<sup>۳</sup> (۱۹۷۸) طبقه‌بندی مناسبی از خدمات ارائه می‌دهد. وی خدمات را به ۴ زیربخش تقسیم کرد که عبارتند از:

الف) خدمات توزیعی: فروش، تعمیرات و نگهداری موتور و ماشین، خرده‌فروشی سوخت ماشین‌ها، خرده‌فروشی، تعمیر کالاهای شخصی و خانوار، انتقال هوا و آب. ب) خدمات بازرگانی یا تجاری: واسطه‌گری مالی، بیمه و صندوق بازنشستگی به‌جز بیمه تأمین اجتماعی اجباری، فعالیت‌های مربوط به مستغلات، اجاره ماشین‌آلات و تجهیزات، کامپیوتر و فعالیت‌های مرتبط، تحقیق و توسعه، حقوق، خدمات تکنیکی، تبلیغات و سایر فعالیت‌های تجاری. ج) خدمات اجتماعی: دفاع، تأمین اجتماعی اجباری، آموزش، بهداشت و کار اجتماعی. د) خدمات شخصی: خدمات مربوط به هتل، تهیه آذوقه و خانوارهای دارای مستخدم (سلطان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸).

1. Bell

2. Pre-Industrial Societies

3. Singelmann (1978)

4- Sultan

گرشونی و مایلز<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) ضمن توجه به گستردگی فعالیت‌های بخش خدمات، مشاهده می‌کنند که بررسی خدمات به صورت کلی امکان‌پذیر نیست و در نتیجه فعالیت‌های بخش خدمات را به چهار زیربخش طبقه‌بندی می‌کنند. هدف اصلی از این طبقه‌بندی سنجش سطوح توسعه با توجه به تحولات اقتصاد جهانی بوده است تا بتوانند ارتباطات و پیوندهای بخش خدمات و صنعت را در جریان صنعتی شدن تجزیه و تحلیل نمایند. برای این منظور آن‌ها طبقه‌بندی جدیدی از فعالیت‌های بخش خدمات به صورت زیر ارائه می‌کنند.

الف) خدمات تولیدی<sup>۲</sup>: ۱- امور مالی، بانکداری، اعتبارات و بیمه (خدمات واسطه‌گری‌های مالی)، ۲- خدمات حرفه‌ای: فعالیت‌های حقوقی، مهندسی و معماری (فعالیت‌های مستغلات و کرایه)، ۳- فعالیت‌های کسب و کار شامل فعالیت‌های مشاوره‌ای، خدمات کامپیوتر و فعالیت‌های وابسته به آن، ۴- سایر خدمات: محافظت، نظافت و نگهداری. ب) خدمات توزیعی<sup>۳</sup>: ۱- حملونقل و انبارداری، ۲- ارتباطات، ۳- عمده‌فروشی و خرده‌فروشی. ج) خدمات شخصی<sup>۴</sup>: ۱- خدمات داخلی (خشک‌شویی و سلمانی)، ۲- هتل و رستوران و غذاخوری، ۳- تعمیرات، ۴- فعالیت‌های سرگرمی و تفریحی و پذیرایی. د) خدمات اجتماعی<sup>۵</sup>: ۱- بیمارستان، درمان و سلامتی، ۲- آموزش، ۳- رفاهی (تأمین اجتماعی)، ۴- خدمات عمومی، قضایی و نظامی. آن‌ها خدمات تولیدی، خدمات توزیعی و خدمات شخصی را در قالب خدمات بازاری و خدمات اجتماعی را در قالب خدمات غیربازاری معرفی کردند (پارک و چان<sup>۶</sup>، ۱۹۸۹).

مایلز و بُدن (۲۰۰۰) نقش مولفه‌های بخش خدمات را در دو رویکرد، «پساصنعتی شدن» و «صنعت‌زدایی» مورد مقایسه قرار می‌دهند و وجه تمایز آن‌ها را به صورت زیر فهرست می‌کنند<sup>۷</sup>:

۱) پدیده‌ی نوظهور در مقابل پدیده‌ی نشت گرفته در گذشته، ۲) تولیدکننده کالاهای برتر که همواره با افزایش ثروت جامعه تقاضای آن نیز افزایش می‌یابد، در مقابل تولید کالاهای غیرمولد که تقاضای خدمات عمومی آن بیشتر متکی به عوامل سیاسی است تا عوامل اقتصادی، ۳) اشتغال-زایی مؤثر ناشی از مالیات‌ها در مقابل اختلال در بازار کار از خدمات عمومی، ۴) ابداعات خدمات

1. Gershuny and Miles (1983)

2. Producer Services

3. Distributive Services

4. Personal Services

5. Social services

6. Park and Chan (1989)

۷. در رابطه با نتایج باید گفت قسمت اول هر نتیجه مربوط به پسا صنعتی و قسمت دوم مربوط به صنعتی شدن می‌باشد.

در مقابل ابداعات صنعت و ۵) تقاضای نیروی کار ماهر، به ویژه با مهارت‌های اجتماعی در مقابل مشاغل سطح پایین و بعضاً کارهای دستی.

اینچن گرین و گوپتا<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) بخش خدمات را به سه گروه خدمات سنتی، خدمات ترکیبی (سنتی و نوین) و خدمات مدرن طبقه‌بندی نمودند. بر اساس این طبقه‌بندی خدمات سنتی شامل خدمات عمومی و دفاعی، عمده فروشی و خرده فروشی، حمل و نقل و انبارداری، خدمات ترکیبی شامل خدماتی چون بهداشت و رفاه اجتماعی، آموزش، فعالیت‌های اجتماعی، شخصی و عمومی، هتل و رستوران و در نهایت خدمات مدرن دربرگیرنده واسطه‌گری مالی، خدمات کامپیوتر، خدمات بازرگانی، ارتباطات، خدمات فنی و حقوقی می‌باشند. بر اساس این تحقیق سهم ارزش افزوده خدمات نوین از تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا طی دو دهه اخیر رشد قابل توجهی را تجربه نموده است.

با توجه به مطالبی که درباره تحولات نظری پیرامون جایگاه بخش خدمات در ساختار تحلیلی اقتصاد جهان بیان گردید، نویسندگان مقاله حاضر بر این باورند که طبقه‌بندی گرشونی و مایلز قابلیت‌های بیشتری در تبیین تحولات مذکور داشته و همچنین مشخص می‌گردد که قلمرو فعالیت‌های خدمات تولیدی نسبت سایر زیربخش‌های خدمات سنخیت بیشتری با اصطلاحات مختلف از بخش خدمات دارد. از این رو در ادامه از این طبقه‌بندی جهت بررسی جایگاه بخش خدمات، به ویژه خدمات تولیدی و توزیعی، در سطوح مختلف توسعه بر اساس شاخص پیوندهای بین بخشی استفاده می‌شود.

## ۲-۲-۴- جایگاه بخش خدمات در میان کشورهای در حال توسعه

به نظر می‌رسد آن چه که در رابطه با جایگاه بخش خدمات بیان شد بیشتر با ساختار اقتصادهای توسعه یافته سازگاری دارد. در رابطه با جایگاه بخش خدمات در میان کشورهای در حال توسعه دیدگاه‌ها به گونه‌ای دیگر می‌باشد. در این کشورها از بخش خدمات اغلب به عنوان بخش غیرمولد یاد می‌شود و تفکری منفی در رابطه با عملکرد آن میان سیاست‌گذاران اقتصادی وجود دارد. خیام<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) و انصاری<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) در مطالعات خود نشان می‌دهند که کشورهای در

<sup>۱</sup> - Eichengreen and Gupta (2009)

<sup>۲</sup> - Khayum (1995)

<sup>۳</sup> - Ansari (1995)

حال توسعه بر خلاف کشورهای توسعه یافته تنها دو مرحله توسعه را تجربه نموده‌اند. در بسیاری از این کشورها فعالیت‌های واسطه‌گری سهم قابل توجهی از فعالیت‌های خدماتی را به خود اختصاص داده است. در نتیجه در رابطه با تعمیم نکات فوق به کشورهای در حال توسعه باید بسیار احتیاط نمود و همچنین در مورد هر کشور خاصی می‌بایست به ویژگی‌های اختصاصی آن توجه جدی داشت. در کشورهای در حال توسعه اغلب آن بخشی از خدمات رشد می‌کند که به صورت سازمان یافته نیستند، مثلاً در دوران صنعتی شدن، این کشورها با انبوهی از نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی مواجه شده بودند که به شهرها مهاجرت کردند اما شغلی نیافته بودند در نتیجه مشاغل چگون دوره‌گردی، دکه‌داری در کنار خیابان، سفته‌بازی در بازار خرده‌فروشی و عمده‌فروشی و غیره ایجاد شد. در نتیجه بزرگ شدن بخش خدمات در این کشورها را نمی‌توان به عنوان ورود آن‌ها به مرحله سوم توسعه در نظر گرفت. فرجادی در مقاله‌ای بیان می‌کند که «یکی از دلایل کاهش بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات در کشورهای در حال توسعه مربوط به گسترش مشاغل کاذب و غیرمولد، به‌ویژه در گروه‌های فعالیت دلالی، خرده‌فروشی و به‌طور کلی مشاغل غیررسمی است. در واقع افرادی که فاقد تجربه، مهارت، سرمایه یا تحصیلات رسمی هستند تنها می‌توانند از طریق فعالیت در بخش خدمات (مشاغل غیررسمی) امرار معاش نمایند» (نیلی، ۱۳۷۶).

### ۳- روش پژوهش

#### ۳-۱- ساختار جدول داده-ستانده

بررسی اجمالی ادبیات موجود در شش دهه‌ی اخیر نشان می‌دهد که پژوهش‌گران با تغییرات اقتصاد جهانی و به تبع آن تغییرات ساختاری بخش‌ها و به‌ویژه بخش خدمات در سطح ملی و منطقه‌ای، روش‌ها و معیارهای مختلف را در سنجش اهمیت بخش‌های اقتصادی و شناسایی بخش‌های کلیدی مورد استفاده قرار داده‌اند. با توجه به نظریه‌های متفاوت، ماهیت روش‌شناسی، معیارهای مختلف و تفسیر عملکرد اقتصادی در شش دهه‌ی اخیر، پیوندها را می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد: رویکرد سنتی و رویکرد نوین (بانوئی و همکاران، ۱۳۸۸). از آنجایی که پایه‌های آماری سنجش این نوع پیوندها را جدول داده-ستانده تشکیل می‌دهد، بنابراین به منظور بکارگیری هر یک از این نوع پیوندها و شناخت بهتر از محاسن و معایب آن‌ها در تخصیص منابع،

سیاست گذاری و برنامه ریزی بخشی، لازم است که ابتدا ساختار کلی جدول متعارف و چگونگی کارکرد آن مورد توجه قرار گیرد.

نمودار ۱: ساختار کلی جدول داده-ستانده با توجه به جداول موجود در تحقیق

بخش ها	تقاضای واسطه ای									تقاضای نهایی				تقاضای داخلی	
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	جمع واسطه ای	خانوار	دولت	سرمایه ناخالص		
۱	ناحیه اول X <sub>1i</sub> X <sub>1r</sub> X <sub>1r</sub> X <sub>1i</sub> X <sub>1o</sub> X <sub>1r</sub> X <sub>1r</sub> X <sub>1i</sub> X <sub>1i</sub>									Z <sub>i</sub>	ناحیه دوم F <sub>i</sub> G <sub>i</sub> L <sub>i</sub> E <sub>i</sub> M <sub>i</sub>				X <sub>i</sub>
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
جمع	Z <sub>j</sub>														
ارزش افزوده	ناحیه سوم V <sub>j</sub>														
عرضه داخلی	X <sub>j</sub>														

نمودار ۱ ساختار کلی یک جدول داده - ستانده را نشان می دهد. آنچه در چارچوب این مقاله دانستن آن اهمیت پیدا می کند، مؤلفه های اساسی انواع پیوندها، تبیین محاسن و معایب آن ها در سنجش اهمیت نسبی بخش های مختلف اقتصادی است که بدون توجه به ساختار جدول به آسانی امکان پذیر نیست. در ادامه توضیح اجمالی در ارتباط با هر یک از رویکردهای محاسبه ی پیوندهای پسین و پیشین به کمک جدول داده - ستاده ارائه خواهد شد.

### ۳-۲- سنجش پیوندها

#### ۳-۲-۱- رویکرد سنتی و مولفه های اساسی آن

مؤلفه های اساسی این رویکرد عبارتند از: الف) این پیوندها در میانه دهه ۱۹۵۰ میلادی ابتدا توسط

چنری-واتانابه<sup>۱</sup> و سپس در مدت کوتاهی توسط راسموسن<sup>۲</sup>، هیرشمن<sup>۳</sup> و گش<sup>۴</sup> به عنوان پایه‌گذاران اصلی بسط و گسترش یافت. (ب) این نوع پیوندها که به پیوندهای سنتی و یا متعارف معروفند تا اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی مورد توجه طیف وسیعی از پژوهش‌گران در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار گرفته است. (پ) به کارگیری پیوندهای مذکور اساساً در راستای تأمین نیازهای نظریه‌های اقتصادی غالب، بوده که امروزه به نظریه‌های رشد محور معروفند. (ت) در این رویکرد در راستای تحقق سیاست رشد نامتوازن که فلسفه اولیه پایه‌گذاری محاسبه‌ی پیوندها است از الگوی تقاضا محور لئونتیف<sup>۵</sup> جهت محاسبه پیوند پسین و از الگوی عرضه محور گش جهت محاسبه پیوند پیشین استفاده می‌شود. (ث) در ابتدا این پیوندها فقط به عناصر ربع اول (ماتریس مبادلات واسطه‌ای) و ضرایب مستخرج از آن یعنی ضرایب مستقیم و غیرمستقیم جهت محاسبه اهمیت بخش‌ها توجه داشتند اما بعدها عناصر تقاضای نهایی و ارزش افزوده جهت ایجاد وزن‌های نسبی برای بخش‌های مختلف باعث شدند تا عناصر ربع دوم و سوم نیز وارد تحلیل‌های ساختاری به کمک جدول داده-ستانده شوند. آنچه که به عنوان نقص بزرگ این رویکرد شناخته شد و زمینه را برای ورود به رویکرد نوین محاسبه پیوندها فراهم ساخت این است که هیچ‌گاه اندازه واقعی تقاضای نهایی و اندازه واقعی ارزش افزوده بخش‌ها در محاسبه پیوندها مورد توجه قرار نگرفته است. نشان خواهیم داد که ضرورت توجه به این امر در سنجش اهمیت بخش خدمات و زیربخش‌های آن نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی بیشتر است.

### ۳-۲-۱- پیوندهای پسین بر مبنای رویکرد سنتی

برای محاسبه پیوندهای نرمال شده، ابتدا از رابطه اساسی داده - ستانده استفاده می‌شود:

$$X = AX + F \quad (۱)$$

$X_{n \times 1}$  بردار ستونی ستانده کل،  $A_{n \times n}$  ماتریس ضرایب داده<sup>۶</sup>،  $F_{n \times 1}$  بردار ستونی تقاضای نهایی می‌باشند.

<sup>۱</sup> Watanabe-Chenery (1950)

<sup>۲</sup> Rasmussen

<sup>۳</sup> Hirschman

<sup>۴</sup> Ghosh

<sup>۵</sup> Leontief

<sup>۶</sup>  $A_{ij} = \frac{x_{ij}}{x_j}$

$$X = (I - A)^{-1} \times F = [C_{ij}] \times F \quad (2)$$

$[C_{ij}]$  ماتریس معکوس لئونتیف یا ماتریس ضرایب فزاینده نهاده می باشد که تأثیر تقاضای نهایی بخش ها را بر سطح تولید کل اقتصاد نشان می دهد.

$$C = \begin{bmatrix} c_{11} & \dots & c_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ c_{n1} & \dots & c_{nn} \end{bmatrix} \rightarrow TBL = e' \cdot C \quad (3)$$

$e' = [1 \ 1 \ 1 \ \dots \ 1]$  یک بردار سطری با اعضای واحد است و می تواند به عنوان وزن قراردادی آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم افزایش یک واحد تقاضای نهایی یک بخش و با فرض ثبات تغییرات نهایی سایر بخش ها، در یک زمان نسبت به افزایش تولید آن بخش در کل اقتصاد مورد استفاده قرار گیرد. راسموسن TBL را پیوند پسین کل پیشنهاد می کند که به صورت متعارف به ضرایب فزاینده تولید معروف است (میلر و لار<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). وی برای این که پیوندهای بین بخش ها را قابل مقایسه کند از شاخص پیوند پسین نرمال شده استفاده می کند:

$$TBL_j^n = \frac{n \cdot TBL_j}{\sum_{j=1}^n TBL_j} \quad (4)$$

این شاخص نشان می دهد که آن بخشی دارای پیوند پسین قوی با سایر بخش ها می باشد که پیوند پسین نرمال شده اش بزرگ تر از واحد باشد.

### ۳-۲-۱-۲- پیوندهای پیشین بر مبنای رویکرد سنتی

برای محاسبه پیوند پیشین کل از الگوی عرضه محور گش استفاده می شود:

$$X' = BX + V'X = BX + V \quad (5)$$

$B_{n \times n}$  ماتریس ضرایب ستانده<sup>۲</sup>،  $V_{1 \times n}$  بردار سطری ارزش افزوده

$$X = V' \times (I - B)^{-1} = V' \times [G_{ij}] \quad (6)$$

<sup>۱</sup>. Miler and Lahr (2000)

<sup>۲</sup>.  $B_{ij} = \frac{x_{ij}}{x_i}$

$[G_{ij}]$ ، ماتریس معکوس گش یا ضرایب فزاینده ستانده است که تأثیر تغییر ارزش افزوده بخش‌ها را روی تولید کل نشان می‌دهد.

$$G = \begin{bmatrix} g_{11} & \cdots & g_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ g_{n1} & \cdots & g_{nn} \end{bmatrix} \rightarrow TFL = G \cdot e \quad (7)$$

$e = \begin{bmatrix} 1 \\ \vdots \\ 1 \end{bmatrix}$  یک بردار ستونی است و بیان‌گر وزن قراردادی آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم تغییر یک واحد ارزش افزوده بخش  $i$  ام در تولید کل اقتصاد می‌باشد.

TFL، شاخص ارتباط کلی پیشین برای بخش  $i$  است که از جمع سطری عناصر ماتریس معکوس گش به دست می‌آید و نشان‌دهنده تأثیرات افزایش یک واحدی ارزش افزوده بخش  $i$ ، در تولید کل اقتصاد است.

همانند پیوند پسین، پیوند پیشین به صورت زیر نرمالیزه می‌شود:

$$TFL_i^n = \frac{n \cdot TFL_i}{\sum_{i=1}^n TFL_i} \quad (8)$$

این شاخص نشان می‌دهد بخشی که دارای پیوند پیشین نرمال‌شده بزرگ‌تر از واحد باشد پیوند پیشین قوی‌ای با سایر بخش‌ها دارد.

### ۳-۲-۲- رویکرد نوین و مولفه‌های اساسی آن

نقطه عطف ورود اقتصاد جهانی به اقتصاد خدمات محور و به تبع آن تغییرات ساختاری در کل اقتصادها و همچنین تغییرات ساختاری در سطح بخش‌های مختلف اقتصاد به میانه دهه ۱۹۸۰ میلادی برمی‌گردد که تاکنون نیز در قالب اصطلاحاتی نظیر اقتصاد جدید و سایر اصطلاحات مربوط به بخش خدمات و مؤلفه‌های اساسی آن، توجه بسیاری از تحلیل‌گران در زمینه‌های مختلف را به خود معطوف گردانیده است. به نظر می‌رسد که رویکرد سنتی محاسبه پیوندها نتواند این نوع تغییرات را در سطح بخش‌های اقتصادی، به‌ویژه تغییرات ساختاری سریع بخش خدمات را تبیین نماید، بنابراین نیاز به استفاده از رویکرد نوین در محاسبه پیوندها می‌باشد. مؤلفه‌های اساسی این رویکرد عبارتند از: یک- رویکرد نوین شامل کلیه الگوهای محاسبه پیوندها به روش حذف فرضی



که اولین بار توسط استراسرت<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۸ میلادی مطرح شد و توسط سلا<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) در میانه دهه ۱۹۸۰ میلادی به طور جدی وارد تحلیل‌های اقتصادی شد. پس از آن، این رویکرد توسط پژوهش‌گران بسط و گسترش یافت (دایتزباخر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۲). دو-فلسفه‌ی وجودی این رویکرد این می‌باشد که تحت فروزی خاص بخشی را از اقتصاد حذف کرده و اهمیت اقتصادی بخش حذف شده بر کاهش تولید سایر بخش‌ها و کاهش تولید کل اقتصاد مورد سنجش قرار می‌گیرد. این سنجش می‌تواند از منظر تقاضا به تولید در قالب الگوی تقاضا محور لئونتیف و یا از منظر ارزش افزوده به تولید در قالب الگوی عرضه محور گش باشد (بانوئی و همکاران، ۱۳۸۷). سه- این رویکرد با توجه به این که تمامی محاسن رویکرد سنتی را دارا می‌باشد یعنی توجه به ماتریس مبادلات واسطه‌ای و ضرایب به‌دست آمده از آن، به اندازه تقاضای نهایی و اندازه ارزش افزوده بخش‌ها نیز در محاسبه درجه اهمیت بخش‌ها توجه دارد. هدف از در نظر گرفتن اندازه تقاضای نهایی و ارزش افزوده بخش‌ها در کنار مبادلات واسطه‌ای نه تنها بکارگیری هر نوع وزن‌دهی متداول در رویکرد سنتی را خارج می‌کند بلکه بهتر می‌تواند سنجش اهمیت اقتصادی بخش‌ها را در ارتباط با رشد اقتصادی که در درایه‌های دو و سه (تقاضای نهایی و ارزش افزوده) جدول نمایان می‌گردند تبیین نمایند، زیرا که رشد اقتصادی بر مبنای GDP سنجیده می‌شود که فقط از درایه‌های دو و سه جدول استخراج می‌گردد.

### ۳-۲-۱- پیوند پسین بر مبنای رویکرد نوین

محاسبه پیوند پسین با بسط تراز تولیدی در الگوی تقاضا محور لئونتیف و از طریق حذف ستون مربوط به بخش مورد نظر، میسر می‌گردد. در این روش فرض می‌شود که مثلاً بخش زام به عنوان تقاضاکننده نهاده تولیدی از اقتصاد حذف شود در نتیجه هیچ‌گونه کالایی را از بخش‌های اقتصادی نخرد. کاهش مقدار تولید به ازای حذف این بخش به عنوان شاخص پیوند پسین مطلق محسوب می‌گردد.

با توجه به رابطه (۱) می‌توان روابط مربوط به روش حذف فرضی را استخراج کنیم. رابطه (۹) نشان می‌دهد اگر یک بخش جهت انجام تولیدات خود از هیچ‌کدام از بخش‌های اقتصاد کالا به

<sup>۱</sup>. Strassert (1968)

<sup>۲</sup>. Cella (1984)

<sup>۳</sup>. Dietzenbacher (1997; 2002)

صورت نهاده نخرد، چه میزان تولید کل اقتصاد کاهش می‌یابد. این مقدار به عنوان پیوند پسین می‌باشد.

$$\begin{bmatrix} \Delta X_1 \\ \Delta X_2 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} X_1 - \bar{X}_1 \\ X_2 - \bar{X}_2 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} H - I & (H - I)A_{12}c_{22} \\ c_{22}A_{21}H & c_{22}A_{21}HA_{12}c_{22} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} f_1 \\ f_2 \end{bmatrix} \quad (9)$$

$$TBL^{DL} = [(H - I) + e'c_{22}A_{21}H]f_1 + [(H - I)A_{12}c_{22} + e'c_{22}A_{21}HA_{12}c_{22}]f_2 \quad (10)$$

$TBL^{DL}$ ، پیوند کلی پسین محاسبه شده از الگوی «دیزانباخر-لیندن» و  $e'$  بردار سطری واحد می‌باشد.

برای نرمال‌سازی رویکرد نوین محاسبه پیوند بین بخش‌ها روش‌های متعددی ارائه گردیده است که در این جا از روش میلر و لار استفاده می‌شود:

$$TBLn_j^{DL} = \left( \frac{TBL_j^{DL} - Ave_B}{Ave_B} \right) * 100 \quad (11)$$

متوسط پیوند پسین کل  $(Ave_B = \frac{\sum TBL^{DL}}{n})$

این روش کاهش تولید اقتصاد به ازای حذف یک بخش را نسبت به متوسط کاهش تولید اقتصاد به ازای حذف تمامی بخش‌ها مورد سنجش قرار می‌دهد. اگر مقدار شاخص فوق مثبت باشد  $(TBL_j^{DL} > 0)$  آن بخش دارای پیوند پسین قوی می‌باشد (میلر و لار، ۲۰۰۰).

### ۳-۲-۲-۲- پیوند پیشین بر مبنای رویکرد نوین

محاسبه پیوند پیشین با بسط تراز تولیدی در الگوی عرضه محور گش (رابطه ۴) و از طریق حذف سطر مربوط به بخش مورد نظر، میسر می‌گردد. در این روش فرض می‌شود که مثلاً بخش آم به عنوان عرضه کننده نهاده تولیدی از اقتصاد حذف شود در نتیجه هیچ‌گونه کالایی را به کلیه بخش‌های اقتصادی نفروشد. کاهش مقدار تولید به ازای حذف این بخش به عنوان شاخص پیوند پیشین مطلق محسوب می‌شود.

با توجه به رابطه (۴) که روش عرضه محور گش را به تصویر می کشد در این جا از حذف یک بخش به عنوان عرضه کننده نهاده به سایر بخش ها استفاده می شود. تحت این شرایط کاهش تولید که نشان دهنده اندازه پیوند پیشین بخش مورد نظر می باشد از رابطه زیر به دست می آید:

$$[\Delta X'_1 \quad \Delta X'_2] = [v_1 \quad v_2] \begin{bmatrix} Z - I & ZB_{12}g_{22} \\ g_{22}B_{21}(Z - I) & g_{22}B_{21}ZB_{12}g_{22} \end{bmatrix} \quad (12)$$

$$TFL^{DL} = v_1[(Z - I) + ZB_{12}g_{22}e] + v_2[g_{22}B_{21}(Z - I) + g_{22}B_{21}ZB_{12}g_{22}e] \quad (13)$$

$v_i$ ، ارزش افزوده  $i$ ،  $B_{ij}$ ، عناصر ماتریس ضرایب ستانده افراز شده،  $g_{ij}$ ، عناصر ماتریس معکوس گش،  $e$  بردار ستونی واحد.  $TFL^{DL}$  دلالت بر این نکته دارد که اگر بخش  $i$ ام هیچ گونه کالایی را در داخل به عنوان نهاده تولید به بخش های اقتصادی نرشد آنگاه کاهش تولید اقتصاد در مقایسه با حالتی که این بخش در تبادلات واسطه ای بین بخش ها حضور دارد چه میزان می باشد. پیوند پیشین مطلق مقدار اختلاف تولید ذکر شده را نشان می دهد.

برای نرمال کردن پیوند پیشین از رویکرد میلر استفاده می کنیم:

$$TFLn_i^{DL} = \left( \frac{TFL_i^{DL} - Ave_F}{Ave_F} \right) * 100 \quad (14)$$

$$Ave_F = \frac{\sum TFL^{DL}}{n} \text{ کل پیوند پیشین}$$

بر اساس این روش بخشی که دارای پیوند پیشین نرمال شده بزرگ تر از واحد باشد ( $TFL_i^{DL} > 0$ ) به عنوان بخش دارای پیوند پیشین قوی شناخته می شود (میلر و لار، ۲۰۰۰).

#### ۴- پایه های آماری و سازماندهی آن

به منظور سنجش اهمیت اقتصادی بخش های مختلف اقتصادی و شناسایی بخش های کلیدی در چارچوب رویکردهای ستی و نوین از جداول داده-ستاندهی ۴۰ کشور جهان استفاده شده است. جدول داده-ستاندهی ۳۹ کشور توسعه یافته و در حال توسعه که اقتصاد آن ها حدود ۸۰ درصد GDP جهان را تشکیل می دهد برای اولین بار در قالب یک مجموعه آماری تحت عنوان "پایه آماری جدول داده-ستاندهی OECD" در سال ۲۰۰۶ میلادی توسط آن نهاد گردآوری و تنظیم شده است.

این جداول بر مبنای ماتریس‌های ساخت و جذب موجود ۳۹ کشور به صورت جداول متقارن بخش در بخش با فرض تکنولوژی بخش به ابعاد ۴۸×۴۸ سال ۲۰۰۰ میلادی و یا سال‌های نزدیک به آن محاسبه شده‌اند. نظام طبقه‌بندی حاکم بر جداول مذکور ISIC-Re3 بوده و از این حیث کاملاً قابل مقایسه می‌باشند (یامانو و احمد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). آخرین جدول آماری در ایران، جدول متقارن کالا در کالا عمدتاً با فرض تکنولوژی کالا با تعديلات فرض تکنولوژی مختلط سال ۱۳۸۰ به ابعاد ۹۱×۹۱ مرکز آمار ایران می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). به لحاظ روش محاسبه و طبقه‌بندی فعالیت‌ها، جدول مذکور با جداول ۳۹ کشور دیگر قابل مقایسه نیست. بنابراین به منظور سازگاری و هماهنگی با جداول سایر کشورها از جدول متقارن ۵۱ بخشی بخش در بخش با فرض تکنولوژی بخش که بر مبنای ماتریس‌های ساخت و جذب سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران توسط بانوئی و همکاران محاسبه شده است، استفاده می‌شود (بانوئی، ۱۳۸۶). هر چند جداول بر اساس ارزش جاری و برای هر کشور تهیه شده است اما با توجه به ماهیت ایستایی الگو تأثیری در نتایج مقاله ندارد. کلیه جداول بر اساس طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی (ISIC) و متناسب با اهداف و سوال مقاله در ۹ بخش زیر تجمیع شده‌اند: کشاورزی، معدن، صنایع، آب و برق و گاز، ساختمان و بخش خدمات، که با توجه به تعاریف و مفاهیم و طبقه‌بندی جدید به خدمات تولیدی، خدمات توزیعی، خدمات اجتماعی و خدمات شخصی طبقه‌بندی شده‌اند. نکته مهم گستردگی پایه‌های آماری و تحلیل نتایج است. در این مورد برای هر تحلیل‌گر لازم است که در تحلیل نتایج فرض تکنولوژی یکسان و نه ساختار تولید را برای همه کشورها مد نظر قرار دهد. مراد از تکنولوژی یکسان این است که بخش‌های مختلف به یک نسبت ثابت کالاها و خدمات واسطه‌ای را در فرایند تولید خود مورد استفاده قرار می‌دهند. طبیعی است که نسبت‌های مذکور در کشورهای مختلف (توسعه‌یافته و یا در حال توسعه) و مستقل از این که منشا داخلی و یا منشا خارجی داشته باشند در کلیه کشورها نسبتاً یکسان فرض می‌شود (چنری و واتاناب<sup>۲</sup>، ۱۹۵۸؛ ریدل<sup>۳</sup>، ۱۹۷۶). به علاوه متناسب با اهداف و سوال مقاله، کشورها را بر اساس طبقه‌بندی بانک جهانی سال ۲۰۰۰ میلادی در چهار گروه درآمدی دسته‌بندی کردیم که حرکت از گروه پایین درآمد سرانه به سمت گروه بالای آن نشان‌دهنده‌ی حرکت در مسیر توسعه می‌باشد یعنی

<sup>۱</sup>- Yamano and Ahmad (2006)

<sup>۲</sup>- Chenery and Watanabe (1958)

<sup>۳</sup>- Ridell (1976)

کشورهای با درآمد سرانه بالاتر توسعه یافته‌تر می‌باشند. علت در نظر گرفتن سال ۲۰۰۰ میلادی این است که سال پایه اکثر کشورها در سال ۲۰۰۰ میلادی و جداول سایر کشورها نزدیک به سال مذکور می‌باشند. طبقه‌بندی کشورها به صورت زیر می‌باشد:

- ۱) کشورهای با درآمد پایین (با درآمد سرانه ۷۳۵ دلار یا کمتر): شامل هند و اندونزی
- ۲) کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین (با درآمد سرانه ۷۳۵ تا ۲۹۳۵ دلار): شامل برزیل، چین، روسیه، ترکیه، آفریقای جنوبی، رومانی و ایران
- ۳) کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا (با درآمد سرانه ۲۹۳۶ تا ۹۰۷۵ دلار): شامل آرژانتین، چک، مجارستان، لهستان، شیلی، مکزیک، استونی و اسلواکی
- ۴) کشورهای با درآمد بالا (با درآمد سرانه ۹۰۷۶ دلار یا بیشتر): شامل استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، سوئیس، آلمان، دانمارک، اسپانیا، فنلاند، فرانسه، انگلیس، یونان، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره، لوگزامبورگ، هلند، نروژ، نیوزلند، پرتغال، سوئد، امریکا

## ۵- نتایج حاصله و تحلیل‌های آنها

### ۵-۱- نتایج حاصله از پیوند پسین و پیشین بر مبنای رویکرد سنتی

در این مقاله به چند دلیل از طبقه‌بندی گرشونی و مایلز جهت طبقه‌بندی بخش خدمات و سنجش زیربخش‌های آن در چارچوب الگوی داده-ستانده استفاده می‌شود: یک- این نوع طبقه‌بندی‌ها مورد استقبال شماری از پژوهش‌گران در تحلیل‌های مختلف قرار گرفته است، مثل پارک و چان (۱۹۸۹) و پارک (۱۹۹۴؛ ۱۹۸۹). دو- طبقه‌بندی خدمات به چهار گروه کلی می‌تواند معیار مناسبی در تجزیه و تحلیل‌های تغییرات ساختاری در مراحل مختلف سطوح توسعه یافتگی به شمار رود. به عنوان نمونه فرایند صنعتی شدن می‌تواند تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در خدمات شخصی ایجاد نماید. به عنوان نمونه در فازهای اولیه توسعه، اکثر خدمات شخصی در بخش غیررسمی از کانال مبادلات غیربازاری در سطح خانواده و یا در اجتماعات کوچک فراهم می‌شد ولی با پیشرفت اقتصادی دامنه خدمات شخصی از طریق بازار گسترش می‌یابد و سه- منعکس‌کننده تعاریف و مفاهیم و اصطلاحات جدید از قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات است (بانوئی و همکاران، ۱۳۸۸). جدول ۱ پیوندهای پسین و پیشین نرمال‌شده‌ی بخش‌های اقتصادی در گروه‌های درآمدی مختلف را نشان می‌دهد. سطر جدول را بخش‌های مختلف اقتصادی و ستون‌های آن را گروه‌های درآمدی

تشکیل می‌دهند به طوری که هر گروه درآمدی دارای دو ستون  $TFL_n$  و  $TBL_n$  می‌باشد. لازم به ذکر است که مقادیر مندرج در هر درایه، مقدار متوسط مربوط به پیوند مورد نظر در آن گروه درآمدی را نشان می‌دهد. چنانچه بر اساس معیار پذیرفته شده‌ی عمومی، تعریف بخش کلیدی را با پیوند پسین و پیشین نرمال‌شده‌ی بزرگ‌تر از واحد در نظر بگیریم، با توجه به نتایج جدول ۱ می‌توان به مشاهدات زیر رسید:

۱) بخش کشاورزی برای گروه کشورهای عضو گروه درآمدی «متوسط رو به بالا» و «بالا» به عنوان بخش کلیدی تعیین می‌گردد ولی برای سایر گروه‌های درآمدی خیر. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سطوح توسعه‌یافتگی اهمیت بخش کشاورزی و میزان تعامل آن با سایر بخش‌ها افزایش می‌یابد و تقریباً در تمامی سطوح توسعه بخش کشاورزی دارای پیوند پیشین قوی با بخش‌های پیشروی خود می‌باشد. در اقتصادهای با سطوح پایین توسعه ساختار تولید بخش کشاورزی سنتی می‌باشد و بخش اعظم تولیدات به مصرف نهایی می‌رسد اما هرچه سطح توسعه افزایش می‌یابد ساختار تولیدی بخش کشاورزی صنعتی‌تر می‌شود و بخش کشاورزی برای یک واحد تولید نیاز به نهاده‌های فراوانی دارد و پیشرفت صنایع تبدیلی و صنایع غذایی موجب می‌شود تا دیگر محصولات خام کشاورزی به صورت کالای نهایی تقاضا و مصرف نشود. این امر موجب می‌شود تا تعامل بخش کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصاد در این سطوح از توسعه افزایش یابد.

جدول ۱: پیوندهای پسین و پیشین بخش‌های اقتصادی در گروه‌های مختلف درآمدی بر مبنای رویکرد سنتی

بالا		متوسط رو به بالا		متوسط رو به پایین		پائین		گروه درآمدی
TFLn	TBLn	TFLn	TBLn	TFLn	TBLn	TFLn	TBLn	بخش اقتصادی
۱/۰۳۷	۱/۰۳۵	۱/۰۸۱	۱/۰۵۷	۱/۱۱۵	۰/۹۹۶	۰/۹۷۸	۰/۷۹۸	کشاورزی
۳/۱۷۳	۰/۹۴۳	۲/۵۵۳	۰/۹۵	۱/۶۵	۰/۹۰۵	۱/۶۷۵	۰/۷۶۳	معادن
۰/۸۵۷	۱/۲۶۸	۱/۰۲۱	۱/۲۸۳	۱/۱۳۸	۱/۲۶۷	۱/۰۰۳	۱/۲۸۱	صنعت
۰/۸۸۶	۱/۰۰۲	۱/۰۲۵	۱/۱۳	۱/۳۴۴	۱/۰۲۹	۱/۳۰۲	۱/۱۷۸	آب، برق و گاز
۰/۵۳۶	۱/۱۵۶	۰/۵۴۸	۱/۱۳۴	۰/۶۱۴	۱/۱۷۸	۰/۵۹۶	۱/۲۱۷	ساختمان
۰/۷۱۳	۰/۹۵۲	۰/۸۰۳	۰/۹۴	۰/۹۵۵	۰/۹۲۲	۱/۰۰۳	۰/۹۷۲	خدمات توزیعی
۰/۸۲۴	۰/۸۶۴	۰/۹۸۷	۰/۸۴	۰/۹۰۵	۰/۸۶۶	۱/۱۲۴	۰/۷۹۷	خدمات تولیدی
۰/۵۷۳	۰/۹۸۸	۰/۵۵۴	۰/۹۱۲	۰/۷۶۵	۰/۹۸۵	۰/۷۸۵	۱/۰۹۵	خدمات شخصی
۰/۴۰۱	۰/۷۹۲	۰/۴۲۹	۰/۷۵۴	۰/۵۱۵	۰/۸۵۲	۰/۵۳۵	۰/۸۹۸	خدمات اجتماعی

ماخذ: یافته‌های تحقیق

۲) نکته جالب این که بخش معدن برای تمام سطوح توسعه دارای پیوندهای پیشین قوی با سایر بخش‌هاست. این نکته نشان می‌دهد که بخش معدن بیشتر به عنوان عرضه‌کننده واسطه‌ای به سایر بخش‌ها است تا تقاضاکننده واسطه‌ای از سایر بخش‌ها و این بخش می‌تواند بخش‌های پیش روی خود را به خوبی به تحرک وادارد. البته این نکته با ماهیت معادن که عرضه‌کننده محصولات خام هستند مانند نفت، گاز طبیعی و سنگ آهن و غیره سازگاری دارد، زیرا تولیدات این بخش به عنوان نهاده در سایر بخش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی وابستگی واسطه‌ای بخش مذکور به عنوان تقاضاکننده از سایر بخش‌ها ضعیف است.

۳) بر عکس وضعیت بخش معدن، بخش ساختمان در تمام سطوح توسعه دارای پیوند پسین قوی است یعنی بیشتر تقاضاکننده کالای واسطه‌ای است تا عرضه‌کننده کالای واسطه‌ای. البته برای توجیه پیوند پسین قوی بخش ساختمان با سایر بخش‌های اقتصادی می‌توان گفت که این نکته مطابق با ماهیت فعالیت‌های موجود در این بخش است، زیرا همان‌طور که می‌دانیم یک ساختمان برای این که تولید شود نیاز به نهاده‌های بسیاری مانند آجر، شن، سیمان، آهن آلات، چوب و بسیاری فعالیت‌های دیگر دارد ولی معمولاً ساختمان به عنوان نهاده‌ی تولیدی برای بخش‌های دیگر به حساب نمی‌آید و علت آن به ماهیت سرمایه‌ای بخش ساختمان بر می‌گردد که اهمیت آن در مبادلات واسطه‌ای کم و به عنوان تشکیل سرمایه در تقاضای نهایی منظور می‌گردد.

۴) نتایج نشان می‌دهند که بکارگیری رویکرد سنتی در سنجش اهمیت بخش‌ها نمی‌تواند نقش و اهمیت بخش خدمات را در عصر اقتصاد خدمات محور نشان دهد. به عنوان نمونه هیچ کدام از زیربخش‌های بخش خدمات در چهار گروه کشورها به عنوان بخش کلیدی ظاهر نمی‌شوند که مبین این واقعیت است که فعالیت‌های بخش خدمات بیشتر ماهیت نهایی دارند تا واسطه‌ای و حاکی از این است که بکارگیری رویکرد مذکور نمی‌تواند اهمیت بخش خدمات و به ویژه اهمیت زیربخش‌های بخش خدمات را در عصر اقتصاد خدمات محور برجسته نماید.

۵) همچنین مشاهده می‌شود که در تمامی سطوح چهارگانه درآمدی، پیوند پسین خدمات توزیعی بیشتر از پیوند پسین خدمات تولیدی است. این نکته بیان‌کننده این واقعیت است که خدمات توزیعی نسبت به خدمات تولیدی برای انجام تولیدات خود به سایر بخش‌ها وابسته‌تر است. اما در سه گروه درآمدی، پیوند پیشین خدمات تولیدی بزرگ‌تر از پیوند پیشین خدمات توزیعی است که

این مطلب ماهیت عرضه‌کننده واسطه‌ای زیربخش خدمات تولیدی را در سطوح مختلف توسعه آشکار می‌کند.

۶) پیوندهای پسین بخش خدمات تولیدی مستقل از این که بزرگ‌تر و یا کوچک‌تر از واحد باشد، کوچک‌تر از پیوندهای پیشین این بخش است یعنی وابستگی سایر بخش‌های اقتصادی به بخش خدمات تولیدی بیشتر از وابستگی بخش مذکور به سایر بخش‌های اقتصادی است. با افزایش سطح توسعه‌یافتگی اهمیت شاخص‌ها کاسته می‌شوند. میزان کاهش شاخص پیوندهای پیشین خدمات توزیعی در گروه کشورهای با درآمد رو به بالا و درآمد بالا بیشتر از شاخص متناظر خدمات تولیدی است.

۷) مرور پایه‌های نظری مربوط به اهمیت طبقه‌بندی بخش خدمات نشان می‌دهد که خدمات تولیدی بیشتر با ساختار اقتصادهای توسعه یافته سازگاری دارد اما نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که با افزایش سطح توسعه‌یافتگی، اهمیت خدمات تولیدی بر اساس روابط هم‌پیوندی به‌ویژه خدمات تولیدی کاهش می‌یابد. این نکته هم تأییدیه بر ناکارآمدی رویکرد سنتی در سنجش اهمیت بخش خدمات در ساختار اقتصادی جدید.

۸) همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد توسعه و گسترش فعالیت‌های خدمات اجتماعی بیشتر به عوامل سیاسی بستگی دارد تا عوامل اقتصادی و در نتیجه بدون در نظر گرفتن این عوامل، تحلیل نتایج به آسانی امکان‌پذیر نیست.

#### ۴-۲- نتایج حاصله از پیوند پسین و پیشین بر مبنای رویکرد نوین

در مقایسه با نتایج رویکرد سنتی، انتظار می‌رود که نتایج رویکرد نوین تصویر واقع‌بینانه‌تری از ساختار خدمات توزیعی و خدمات تولیدی، با توجه به درجه توسعه‌یافتگی در عصر اقتصاد خدمات محور به‌دست دهد. علت این است که در رویکرد نوین، علاوه بر مبادلات واسطه‌ای بین بخشی، اندازه تقاضای نهایی و اندازه ارزش افزوده بخش‌ها در سنجش اهمیت بخش‌ها در نظر گرفته می‌شوند.

جدول ۲ پیوندهای پسین و پیشین نرمال‌شده بخش‌های اقتصادی در گروه‌های درآمدی مختلف را بر مبنای رویکرد نوین نشان می‌دهد. سطر جدول را بخش‌های مختلف اقتصادی و ستون‌های آن را گروه‌های درآمدی تشکیل می‌دهند به‌طوری که هر گروه درآمدی دارای دو ستون  $TBL_n^{DL}$  و



می‌باشد.  $TFL_n^{DL}$  در این جا نیز مقادیر مربوط به هر یک از گروه‌های درآمدی به صورت میانگین می‌باشد. چنانچه بر اساس معیار پذیرفته شده میلر و لار (۲۰۰۰) تعریف بخش کلیدی را با پیوند پسین و پیشین نرمال شده بزرگ تر از صفر در نظر بگیریم، با توجه به نتایج جدول ۲ می‌توان به مشاهدات زیر رسید:

۱) در تمامی سطوح درآمد سرانه، صنعت به عنوان بخش کلیدی تعیین شده است هر چند که این پیوندها در میان گروه‌های میانی درآمدی، قوی تر می‌باشد. این یافته با ویژگی ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه و یا تازه صنعتی شده سازگاری دارد. کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده اغلب سیاست جایگزینی واردات را به عنوان یک سیاست کلی در نظر می‌گیرند که در نتیجه آن بیشتر نهاده‌های مورد نیاز بخش‌های صنعتی را صنایع داخلی تأمین می‌کنند به همین خاطر پیوندهای صنعت در این مرحله از توسعه قوی تر از سایر دوره‌هاست.

۲) نتایج رویکرد نوین هم مانند رویکرد سنتی موبد این نکته است که بخش ساختمان در تمامی سطوح درآمدی دارای پیوند پسین قوی تری نسبت به پیوند پیشین می‌باشد. این نکته تأییدی بر ماهیت تقاضاکننده واسطه‌ای این بخش می‌باشد و این که تولیدات آن کمتر به صورت نهاده در اختیار سایر بخش‌ها قرار می‌گیرد.

جدول ۲: پیوندهای پسین و پیشین بخش‌های اقتصادی در گروه‌های مختلف درآمدی بر مبنای رویکرد نوین

گروه درآمدی		پائین		متوسط روبه پائین		متوسط روبه بالا		بالا	
بخش اقتصادی		$TFL_n^{DL}$	$TBL_n^{DL}$	$TFL_n^{DL}$	$TBL_n^{DL}$	$TFL_n^{DL}$	$TBL_n^{DL}$	$TFL_n^{DL}$	$TBL_n^{DL}$
کشاورزی		۰/۴۱۷	-۰/۲۶۱	۰/۰۶	-۰/۲۵۸	-۰/۴۵۸	-۰/۷۳۹	-۰/۴۹۲	-۰/۷۱۷
معدن		-۰/۰۸۳	-۰/۸۰۶	-۰/۳۶۷	-۰/۷۷	-۰/۷۶۶	-۰/۳۲۳	-۰/۵۷	-۰/۹۰۳
صنعت		۱/۹۲۵	۲/۸۵	۲/۳۷۴	۲/۴۹۸	۲/۲۵۱	۲/۰۲۸	۱/۷۲۷	۲/۰۳
آب، برق و گاز		-۰/۵۲۷	-۰/۶۸۶	-۰/۴۱۷	-۰/۶۷۸	-۰/۵۷۱	-۰/۵۰۵	-۰/۶۸۲	-۰/۷۸۶
ساختمان		-۰/۸۱۸	۰/۲۰۴	-۰/۸۰۶	۰/۰۶۴	-۰/۱۰۷	-۰/۷۱۲	-۰/۶۴۲	-۰/۱۰۹
خدمات توزیعی		۰/۸۳۳	۰/۳۸۸	۰/۸۵	۰/۳۹۷	۰/۶۸۲	۰/۷۹۲	۰/۶۴۹	۰/۵۲۹
خدمات تولیدی		-۰/۰۴۳	-۰/۶۶	-۰/۰۴۱	-۰/۳۱۵	-۰/۲۱۸	۰/۶۰۹	۱/۴۱۸	۰/۳۶۵
خدمات شخصی		-۰/۷۳۱	-۰/۵۰۷	-۰/۷۲	-۰/۵۷۶	-۰/۵۰۹	-۰/۷۶	-۰/۵۸۴	-۰/۳۳۷
خدمات اجتماعی		-۰/۹۶۴	-۰/۵۲۲	-۰/۹۳۳	-۰/۳۶۱	-۰/۳۹۴	-۰/۸۹	-۰/۸۲۴	-۰/۱۶۳

۳) نتایج نشان می‌دهند که اهمیت پیوند پسین خدمات توزیعی کمتر از اهمیت پیوند پیشین آن است. علت آن به ماهیت تقاضای بخش مذکور برمی‌گردد. این نکته بیان‌گر این مطلب است که توان این بخش در به تحرک واداشتن بخش‌های پیشروی خود بیشتر از بخش‌های ماقبل خود می‌باشد. اما نکته مهم این جاست که پیوند پیشین این بخش با افزایش سطح توسعه کاهش می‌یابد یعنی با افزایش سطح توسعه وابستگی سایر بخش‌ها به تولیدات خدمات توزیعی کاهش می‌یابد.

۴) در تمامی سطوح توسعه پیوند پسین خدمات توزیعی بزرگ‌تر از پیوند پسین خدمات تولیدی است. این نکته تأکید می‌کند که خدمات توزیعی نسبت به خدمات تولیدی برای تولید یک واحد محصول خود به سایر بخش‌های اقتصادی وابستگی بیشتری دارد.

۵) یکی از نتایج درخور توجه رابطه بین شاخص پیوندهای پسین و پیشین بخش‌های خدمات توزیعی و خدمات تولیدی با سطوح توسعه یافتگی چهار گروه کشورها است. در خصوص بخش خدمات توزیعی مشاهده می‌شود که به‌طور کلی یک رابطه معکوس بین خدمات توزیعی با سطوح توسعه یافتگی وجود دارد یعنی در سطوح پایین توسعه، اهمیت خدمات توزیعی بیشتر و در سطوح بالای توسعه اهمیت این بخش کاسته می‌شود. حال آن‌که عکس این روند در خصوص خدمات تولیدی مصداق پیدا می‌کند یعنی بخش مذکور در سطوح بالای توسعه، به‌ویژه در گروه کشورهای با درآمد بالا به عنوان بخش کلیدی ظاهر می‌گردد و جایگزینی بین فعالیت‌های خدمات تولیدی و فعالیت‌های خدمات توزیعی در سطوح بالای توسعه را به‌دست می‌دهد. یافته‌های مذکور موید این واقعیت هستند که تعاریف و مفاهیم و همچنین طبقه‌بندی جدید از بخش خدمات بیشتر با ساختار کشورهای توسعه‌یافته تناسب دارد تا با ساختار کشورهای در حال توسعه.

## ۵- نتیجه‌گیری

بخش خدمات و قلمرو فعالیت‌های آن در طول دهه‌های اخیر و به‌ویژه در سه دهه اخیر دچار تحولات گسترده‌ای شده است. همراه با این تحولات، انبوهی از تعابیر، اصطلاحات و طبقه‌بندی‌های جدید در ترسیم اهمیت قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات توسط طیف وسیعی از پژوهش‌گران معرفی شده‌اند که نشان از تغییرات سریع این بخش در عصر اقتصاد نوین است. به نظر نویسندگان این مقاله، واکاوی این تغییرات و سپس سنجش اهمیت رابطه بین فعالیت‌های

خدمات با سطوح توسعه یافتگی بدون ملاحظه پایه‌های نظری، تعاریف و مفاهیم و طبقه‌بندی جدید از قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات امکان‌پذیر نیست. یکی از روش‌هایی که در سنجش اهمیت بخش‌های مختلف اقتصادی و در قالب پیوندهای پسین و پیشین مورد استفاده قرار می‌گیرد، رویکردهای سنتی و نوین الگوهای داده-ستانده است. در این مقاله برای اولین بار با استفاده از جدول داده-ستانده همگن و تجمیع شده ۴۰ کشور جهان، گروه‌بندی این کشورها بر حسب چهار سطوح درآمدی توسعه بانک جهانی و طبقه‌بندی قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات به چهار زیربخش مشخص: خدمات توزیعی، خدمات تولیدی، خدمات اجتماعی و خدمات شخصی، تلاش شد سوالات زیر مورد سنجش قرار گیرد: ۱- "جایگاه بخش‌های چهارگانه خدمات به‌ویژه خدمات تولیدی و توزیعی بر اساس شاخص پیوندهای بین بخشی، با افزایش سطح توسعه یافتگی چه تغییری می‌کند؟" و ۲- "کدام یک از دو رویکرد سنتی و نوین محاسبه پیوندهای بین بخشی، بهتر می‌تواند رابطه بین خدمات توزیعی و خدمات تولیدی را با سطوح توسعه یافتگی تبیین نماید؟".

نتایج نشان می‌دهند که بکارگیری رویکرد سنتی نمی‌تواند اهمیت قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات را مستقل از سطوح چهارگانه درآمدی (گروه درآمدی پایین، گروه درآمدی متوسط رو به پایین، گروه درآمدی متوسط رو به بالا و گروه درآمدی بالا) برجسته نماید. علت اصلی به ماهیت ساختار تولیدی بخش خدمات در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی نظیر کشاورزی و صنعت بازمی‌گردد زیرا که ماهیت تولیدی بخش خدمات در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، بیشتر نهایی است تا واسطه‌ای. در حالی که مبنای سنجش اهمیت بخش در رویکرد سنتی، فقط مبادلات واسطه‌ای است تا واسطه‌ای-نهایی. به این دلیل کلیه شاخص‌های پیوند پسین و پیشین زیربخش‌های چهارگانه بخش خدمات (به جز در مورد گروه درآمدی پایین) کمتر از واحد بوده و در نتیجه در گروه بخش‌های کلیدی قرار نمی‌گیرند. در این مورد نتایج پیوندهای پسین و پیشین خدمات توزیعی و خدمات تولیدی در رویکرد سنتی نشان می‌دهند که شاخص‌های پیوندهای پسین و پیشین خدمات توزیعی به‌طور کلی با سطح توسعه یافتگی رابطه معکوس دارد. شاخص پیوند پسین زیربخش مذکور برای گروه درآمدی پایین برابر با ۰/۹۷۲ واحد است و به ۰/۹۵۲ واحد برای گروه درآمدی بالا کاهش یافته است. شاخص متناظر پیوندهای پیشین از ۱/۰۰۳ واحد به ۰/۷۱۳ واحد را نشان می‌دهد. شاخص پیوندهای پسین و پیشین خدمات تولیدی تصویر متفاوتی

را به دست می‌هند. از یک طرف شاخص پیوند پسین آن رابطه مستقیم با سطوح توسعه‌یافتگی دارد به طوری که شاخص مذکور از ۰/۷۹۷ در گروه درآمدی پایین به ۰/۸۶۴ واحد در گروه درآمدی بالا افزایش یافته است، حال آن که عکس این روند در مورد شاخص پیوندهای پیشین بخش مذکور مشاهده می‌گردد. یعنی شاخص مذکور از ۱/۱۲۴ واحد به ۰/۸۲۴ واحد کاهش یافته است.

نتایج رویکرد نوین به چند دلیل تصویر واقع‌بینانه‌تری از رابطه بین شاخص‌های پیوندهای پسین و پیشین خدمات توزیعی و خدمات تولیدی را نسبت به نتایج رویکرد سنتی به دست می‌دهند. اولاً شاخص پیوندهای پیشین خدمات توزیعی در تمامی سطوح توسعه‌یافتگی بیشتر از شاخص‌های متناظر پیوندهای پسین است و موید این واقعیت است که زیربخش خدمات توزیعی بیشتر عرضه‌کننده واسطه‌ای و نهایی به سایر بخش‌ها و نهادهای جامعه است تا تقاضاکننده واسطه‌ای از سایر بخش‌ها. دوماً، پیوند پسین آن با سطوح توسعه‌یافتگی (از ۰/۳۸۸ واحد به ۰/۵۲۹ واحد) و پیوند پیشین با سطوح توسعه‌یافتگی معکوس دارد (از ۰/۸۲۳ واحد به ۰/۶۴۹). یعنی این که با سطوح توسعه‌یافتگی، تقاضای واسطه‌ای و تقاضای نهایی سایر بخش‌ها و نهادهای جامعه از تولید بخش مذکور کاهش می‌یابد. این کاهش با افزایش خدمات تولیدی جبران می‌گردد. به طوری که پیوندهای پیشین بخش مذکور از ۰/۰۴۳- واحد در گروه درآمدی پایین به ۱/۴۱۸ واحد در گروه درآمدی بالا افزایش می‌یابد.

در نتیجه از بررسی‌های صورت گرفته می‌توان چنین ادعا نمود که با افزایش سطوح توسعه‌یافتگی نقش خدمات توزیعی به عنوان عرضه‌کننده کالاهای واسطه‌ای و نهایی کاهش می‌یابد و این کاهش با افزایش خدمات تولیدی جبران می‌گردد به طوری که در سطوح بالای توسعه خدمات تولیدی به عنوان بخش کلیدی و خدمات توزیعی به عنوان بخش غیر کلیدی تعیین می‌گردد. در ضمن رویکرد نوین محاسبه پیوندهای بین بخشی در مقایسه با رویکرد سنتی در تبیین تحولات نظری بخش خدمات در ساختار اقتصادی کارا تر عمل نماید.

## منابع و مواخذ

## الف: منابع و مآخذ فارسی

۱. آزاد، سید ایمان (۱۳۸۵). بررسی کمی جایگاه بخش خدمات و زیر بخش های آن در اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. بانوئی، علی اصغر (۱۳۸۶). "محاسبه جدول داده-ستانده استان گلستان و کاربردهای اقتصادی و اجتماعی آن در سیاست گذاری های استان". طرح تحقیقاتی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گلستان
۳. بانوئی، علی اصغر. مؤمنی، فرشاد. و آزاد، سید ایمان (۱۳۸۸). "بکارگیری پیوندهای نسل اول، دوم و سوم در سنجش خدمات تولیدی و خدمات توزیعی: تجربه ایران و بعضی از کشورهای منتخب". سومین همایش کاربرد تکنیک های داده - ستانده در برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی ایران، ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۸، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. بانوئی، علی اصغر. مؤمنی، فرشاد. و آزاد، سید ایمان (۱۳۸۹). "تحلیل های ساختاری صنعت و خدمات با تأکید بر خدمات تولیدی و اقتصاد جدید، تجربه ایران و بعضی کشورهای منتخب". فصلنامه سیاست های اقتصادی (زیر چاپ).
۵. بل، دانیل (۱۳۸۲). آیندهی تکنولوژی. احد علیقلیان؛ تهران، انتشارات وزارت امور خارجه (کتاب جمهور).
۶. جهانگرد، اسفندیار (۱۳۷۷). "تحلیل پدیدهی صنعتی شدن خدمات اقتصاد ایران (تحلیلی بر مبنای مدل افراز شدهی داده-ستانده)". مجله ی برنامه و بودجه (۲۵ و ۲۶): ۱۰۳-۷۷.
۷. دهقان شورکند، حسین. سعادت میل آغاردان، فرشید. علی اصغرپور موزیرجی، حسین. اسفندیاری کلوکن، مجتبی. و پهلوانی، مرتضی (۱۳۸۸). "شناسایی بخش های کلیدی اقتصاد ایران". سومین همایش کاربرد تکنیک های داده - ستانده در برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی ایران، ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۸، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۵). گزیدهی اقتصاد ایران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
۹. زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۳). "ضرورت کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی". اقتصاد کشاورزی و توسعه (۴۵): ۶۸-۴۱.
۱۰. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳). مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، دفتر کلان اقتصادی، جلد اول.
۱۱. عطوان، مهدی (۱۳۸۶). "محاسبه پیوندهای پسین و پیشین فعالیت اقتصادی در ایران (بر اساس روش حذف فرضی)". فصلنامه حساب های اقتصاد ایران (۲): ۴۳-۲۶.

۱۲. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، نشر مرکز، چاپ چهاردهم.
۱۳. کارل، تری لین (۱۳۸۸). *معمای فراوانی، رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی*. جعفر خیرخواهان؛ نشر نی، چاپ اول، صص ۱۰۰-۱.
۱۴. کوزنتس، سیمون (۱۳۷۲). *رشد نوین اقتصادی*. مرتضی قره‌باغیان؛ موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.
۱۵. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). *جدول داده - ستانده سال ۱۳۸۰ اقتصاد ایران*، تهران.
۱۶. مفتاح، محمدصادق (۱۳۸۶). "فاصله عمده‌فروشی و خرده‌فروشی ۸۲ درصد است". *روزنامه عصر اقتصاد*، نهم آذر، ص ۶.
۱۷. مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۸). "پاشنه آشیل توسعه". *فصلنامه‌ی اقتصاد و جامعه* (۱۹ و ۲۰): ۲۹۳-۲۵۷.
۱۸. میر، جرالدم (۱۳۷۸). *مباحث اساسی اقتصاد توسعه*. غلامرضا آزاد ارمکی؛ تهران، نشر نی، جلد دوم، صص ۸۷۸-۶۴۱.
۱۹. نیلی، مسعود (۱۳۷۶). *اقتصاد ایران*، انتشارات موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، مقاله فرجادی، ص ۲۹۸.
۲۰. ولدخانی، عباس (۱۳۷۶). "اهمیت بخش‌های اصلی اقتصادی ایران از نظر ایجاد ارزش افزوده با استفاده از جدول داده - ستانده سال ۱۳۶۷". *مجله برنامه و بودجه* (۲۱): ۳۸-۲۹.

## ب: منابع و مأخذ لاتین

1. Ambrosi, A.P. - Pinieta, D. (2005). *World Matters: Multicultural Perspective on Information Society*, Italy, chap.1.
2. Ansari, M. (1995). "Explaining the Service Sector Growth: An Empirical Study of India, Pakistan, and Sri Lanka". *Journal of Asian Economics* 6(2): 233-246
3. Beyer, W.B. (2002). "Services and the New Economy: Elements of a Research Agenda". *Journal of Economic Geography* 2: 1-29
4. Boden, M. and Miles, I. (2000). *Services and the Knowledge Based Economy*. Continuum, London, Chap. One.
5. Francisco J.B. and Kaboski, J.P. (2009). "The Rise of the Services Economy". *NBER Working paper* 14822.
6. Cella, G. (1984). "The Input-Output Measurement of Interindustry Linkages". *Oxford Bulletin of Economics and Statistics* (46): 73-84.
7. Chenery, H.B. - Watanabe, T. (1958). "International Comparisons of the Structure of Production". *Econometrica* XXV(I): 487-521.

8. Clements, B.J. – Rossi, J.W. (1991). "Interindustry Linkages and Economic Development: The Case of Brazil Reconsidered". The Developing Economics XXIX-2: 168-187.
9. Daniels, P.W. (2004). "Reflection of the Old and New Economy and Services". Growth and Change 35(2): 115-138
10. Delaunay, J.C. and Gadrey, T. (1992). "Services in Economic Thought: Three Centuries of Debate". Dordrecht, Kulwer.
11. Dietzenbacher, E. - Van der Linden, J.A. (1997). "Sectoral and Spatial Linkages in the Production Structure". Journal of Regional Science 36(2): 235-257.
12. Dietzenbacher, E. (2002). "Interregional Multiplier: Looking Backward, Looking Forward". Regional Studies 36(2): 125-136.
13. Eichengreen, B. and Gupta, P. (2009). "The Two Waves Of Service Sector Growth". National Bureau Of Economic Research, Working Paper 14968, May 2009, <http://www.nber.org/papers/w14968>.
14. Fuchs Victor (1965). "The Growing Importance of The Service Industries", NBER Publication, chap. 12
15. Gershuny, J.I. and Miles, I.D. (1983). *The New Service Economy*, London, Frances Printer Publishers
16. Ghosh, A. (1958). "Input-Output Approach in an Allocation System". Economica 25: 58–64
17. Jones, L.P. (1976). "The Measurement of Hirschmanian Linkages". The Quarterly Journal of Economics 90(2): 323-333.
18. Katouzian M.A. (1970). "The Development of The Service Sector: A New Approach". Oxford Economic Papers 1022(3): 362-382.
19. Khayum M. (1995). "The Impact of Service Sector Growth on Intersectoral Linkages in The United States". The Service Industrial Journal 15(1): 35-49.
20. Laumas, P.S. (1975). "Key Sectors In Some Underdeveloped Countries". Kyklos 28(1): 62-79.
21. Melvin, J.R. (1995). "History and Measurement in the Service Sector: A Review". Review of Income and Wealth 41(4): 481-494.
22. Miler, R.E. – Lahr, M.L. (2000). "A Taxonomy of Extractions". 13th International Conference on IO Techniques, Italy.
23. Park S.H - Chan, K. (1989). "A Cross-Country Input – Output Analysis of Intersectoral Relationships between Manufacturing and Services and their Employment Implications". World Development 17(2): 199-212.
24. Parrinello, S. (2004). "The Service Economy Revisited". Structural Change and Economic Dynamics (15): 381-400.
25. Phojola, M. (2002). "The New Economy: Facts, Impacts and Policies". Information Economy and Policies (14): 133-144.

26. Riedel, J. (1976). "A Balanced-growth Version of the Linkage Hypothesis: A Comment". Quarterly Journal of Economics **90**: 319-322.
27. Smith, A. (1937). *The Wealth of Nations*, The Modern Library, Random House, New York.
28. Sultan, M. (2008). "The Tertiary Sector Is Going to Dominate the World Economy; Should We Worry?". MPRA Paper(14681): 8-22.
29. Uno, K. (1989). *Measurement of Services in An Input-Output Framework*, North Holland, chap.2.
30. Wood, P. (2002). "Debates and Commentary: Services and New Economy: An Elaboration". Journal of Economic Geography(2): 109-114
31. Yamano, U. - Ahmed, N. (2006). "The OECD Input-Output Data Base". STI Working Paper, Paris.